



«ایران» تکنیک های نوین جنگ نرم و تحریم اقتصادی را وا کاوی می کند

ابزارهای مالی به مثابه تسلیحات نظامی

حسن صادقی
تحلیلگر اقتصادی

قدرت ملی - استفاده می کنند. واشنگتن اکنون به‌طور کامل در حال تسلیح امور مالی به عنوان ابزاری برای سیاست خارجی خود است. اکنون ایالات متحده به منظور دستیابی به «سیاست اصلی هسته‌ای و اهداف امنیت ملی» به شدت به اقدامات مالی وابسته است. به گفته بیزنس اینسایدر: «هسته‌های جنگی و بمب افکن‌ها را فراموش نکنید. واشنگتن ممکن است به‌طور فزاینده‌ای قدرت ژئوپلیتیکی خود را نشان دهد. با استفاده از سلاحی غیر متعارف که ابزارهای مالی نام دارد.» در ۲۹ ژانویه، ویکی لیکس سندی را با عنوان «نیروهای فاش شده نشان می دهد که چگونه ارتش آمریکا از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به‌عنوان «سلاح‌های غیر متعارف» استفاده می کند.

■ **سند افشاشده ویکی لیکس**
در بخشی از این سند، که در خصوص سیاست‌های اصلی و هماهنگی‌های درون سازمانی اشاراتی دارد، نکاتی را در راستای هماهنگی درون سازمانی می نویسد: «همانند فعالیت اقتصادی، که همه دولت‌ها، گروه‌های انسانی و افراد مسئولیت آن را بر عهده دارند، ARSOF (نیروهای عملیاتی ویژه ارتش) می تواند از قدرت مالی به عنوان سلاح در مواقع دیگری تا جنگ عمومی در مقیاس بزرگ استفاده کند. فعالیت‌های اقتصادی که به این گروه مربوط می شود، بیشتر شامل ابزارهای مالی بدون کنترل، معمول ومسالمت آمیز است. با این حال، دخالت دولت ایالات متحده در بخش‌های مالی می تواند موجب تقویت سیاست‌ها و همکاری‌های کشورهای ناهمسو شود. دولت‌های ایالتی، مشوق‌ها و انگیزه‌های مالی می توانند ائتلاف‌های بین‌المللی در دست اجرا را ایجاد ومحافظت کنند.»

این گزارش در ادامه، سازمان‌های اقتصادی بین‌الملل را نیز در راستای هدف خود، عنوان می کند و ادامه می دهد: «به عنوان بخشی از تلاش بین سازمانی، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده می‌تواند تغییراتی را در سیاست ایالات متحده در برابر دولت‌های ایالتی و دیگران در برای سیاست‌های استراتژیک ملی ایجاد کند. مشارکت در سازمان‌های مالی بین‌المللی، مانند بانک جهانی (WB)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی (BIS)، مهمترین مجامع بین‌المللی این نفوذ را فراهم می کنند.»

دیگر ابزارهای مالی که مانند اسلحه می‌تواند برای دولتمردان آمریکا، ایفای منافع امنیت دلی یک کشور قابل استنبود است. اسلحه‌سازی امور مالی به معنای به کارگیری روش‌های جدیدی است که از طریق آن کشورهای قدرتمند از نظر مالی، برای تأثیرگذاری بر معادلات جهانی، از منابع مالی خود - علاوه بر سایر ابزارهای

اعمال کند. این کشور می‌تواند از طریق تأثیر نیروی متقاعد کنندگی مؤسسات مالی بین‌المللی و داخلی، در خصوص دسترسی به وام، کمک‌های مالی به بازیگران دولت خارجی و غیر دولتی؛ قدرت مالی یک جانبه و غیرمستقیمی را اعمال کند. اگر به‌طور صحیحی این اختیارات مجاز و هماهنگ باشد، ARSOF می‌تواند ضمن هماهنگی با سایر آژانس‌ها با هدف تشویق و تمرکز مالی؛ مخالفان و متحدان را ترغیب کند تا رفتار خود را در سطوح استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی اصلاح کنند. چنین استفاده از قدرت مالی باید بخشی از یک برنامه آینده نگارانه، یکپارچه ومدام‌باشد.» در حالی مهمترین بازیگران این صحنه آرای افشا شده‌اند که در بخشی از این گزارش اشاره شده که: «مانند سایر ابزارهای قدرت ملی ایالات متحده، استفاده و اثرات سلاح‌های مالی به هم مرتبط هستند و باید با دقت هماهنگ شوند. بار دیگر، ARSOF باید با DOS و IC کار کند تا مشخص کند که کدام عناصر زمین انسانی در UWOA مستعد درگیر شدن در امور مالی هستند و تأثیرات مرتبه دوم وسوم از چنین مشارکت هایی احتمالاً وجود دارد. دفتر امور بین الملل خزانه‌داری و دفتر تروریسم و اطلاعات مالی، به همراه شبکه اجرای جرایم مالی (FinCEN)، کانال‌های متمرکز مالی را برای شناسایی فرصت‌های استفاده از اسلحه مالی فراهم می‌کنند.»

■ **هماهنگی امنیتی باندهای اقتصادی**
در ایالات متحده، اسلحه‌سازی مالی نیز به معنای پیوند بین وزارت خزانه‌داری و آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) است. برای اثبات، دیوید کوهن، که در وزارت خزانه‌داری به عنوان معاون وزیر امور خارجه فعالیت می‌کرد، معاون سیا بود. تسلیحات جدید جنگ مالی هم آتالوگ و هم دیجیتا ل است. پول‌های آتالوگ شامل تسویه حساب‌های بین‌المللی پول و بانک جهانی، مقررات مربوط به مجازات‌های اقتصادی ومقابله با پولشویی را تعیین می‌کنند و سلاح‌های دیجیتالی شامل حملات انکار خدمات، دخالت‌های

مخرب و دستکاری داده‌ها است. تایمز در این باره می‌نویسد: «بمب‌ها و گلوله‌ها را فراموش کنید. واشنگتن سرمایه‌های مالی را مسلح کرده است - وامور مالی تبدیل به قدرتمندترین سلاح جنگ آمریکا می‌شود. فراموش نکنید که زیرساخت‌های مالی مدرن همچنان از نظر طبیعی محوریتهی آمریکایی وداری فناوری پیشرفته است. جنگ مدرن در مورد «ارتش‌های مخالف» نیست بلکه «تقابل سیستم‌های مخالف عملیاتی» است. جنگ مدرن مربوط به «تلفات دشمن» نیست، بلکه در خصوص «اختلال در سیستم» است.»

■ **نقطه شروع اسلحه‌سازی مالی**
در حالی ایالات متحده حدود ۲۰ درصد از تولید اقتصاد جهانی را تشکیل می دهد که بیش از نیمی از کل ذخایر ارزی وتجارت جهانی به دلار است. این نتیجه توافق برتون وودز در سال ۱۹۴۴ است؛ هنگامی که پیوند دلار و طلا در شوک تصمیم دولت نیکسون در سال ۱۹۷۱، از هم گسیخت و نتیجه آن عرضه بیشتر دلار و متعاقباً تشدید هژمونی دلار بود.

نقش محوری دلار به ایالات متحده اجازه می دهد تا به راحتی کسری تجاری و بودجه خود را تأمین کند. این کشور در برابر بحران عدم تعادل حساب سرمایه وتجاری خود را محافظت کند و وام و خدمات را به ارز خود

مبادله و تجارت کند. این عمل می‌تواند ضمن اینکه سیاست‌های پولی آمریکا را در راستای تنها منافع خود تضمین کند، بحران‌های دیگری مانند بحران بدهی را به دیگر کشورها تحمیل کند (زمانی که ارزش دلار کاهش می‌یابد دارایی بانک‌ها کاهش می‌یابد ونسبت آن را بدهی‌ها زیاد می‌شود). واین یک مزیت رقابتی برای این کشور است.مقابله با اسلحه‌سازی مالی با استفاده از نقشه‌برداری از کارکردهای مهم مالی و خطا به همراه ارزیابی دقیق آسیب

پذیری‌های غیر نظامی آغاز می‌شود. توسعه ضد استراتژی برای این حمله غیر جنبشی، غیر نظامی به معنای اتخاذ رویکرد «کل کشور» است که شامل سرمایه‌های، فرماندهان نظامی، تنظیم کننده‌های مالی ومديران شرکت‌ها است.

■ **سلاحی که در آینده بی اثر می‌شود**
هنگامی که ایالات متحده عمداً درد اقتصادی را تحمل می‌کند، معمولاً به دلایل ژئواستراتژیک و در صورت امکان، با همپیمانان هماهنگ عمل می‌کند. در سال های اخیر، واشنگتن با اختلال در سیستم بانکی مبتنی بر دلار، خسارت‌های زیادی به کره شمالی و ایران وارد کرده است. تحریم‌های اروپا و ایالات متحده علیه روسیه به دلیل حمله به اوکراین، دخالت در انتخابات ایالات متحده و مسموم کردن یک جاسوس سابق روسی ودخترش که در انگلیس زندگی می‌کردند، اقتصاد روسیه را تحت تأثیر قرار داده است.

سیاست خارجی ایالات متحده در زمان ریاست دونالد ترامپ، همچنان بر خلاف اهداف سنتی پس از جنگ است. اگر ایالات متحده با بی دقتی از رهبری نظم چند جانبه جهانی، چشم پوشی کند، ممکن است دلار سرانجام برتری دیرینه خود را از دست بدهد. زبان سیاست‌های پولی بین‌المللی تبدیل به نظامی گری شده است. عبارت «جنگ ارزی» اکنون به مدت یک دهه رایج شده است اما از قضا، یک رویکرد متحذانه و فراگیر می‌تواند تسلط جهانی پول ایالات متحده را تهدید کند.

برای سنتش نقاط قوت نسبی دلار و ارزهای بین‌المللی رقیب (به معنی ارزی‌ای است که در خارج از کشور خود استفاده می‌شود) باید سری به داده‌های جهانی زد. در ماه سپتامبر، بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، نظرسنجی سه ساله خود از گردش مالی بازارهای جهانی ارائه کرد. در حالی که آمار صندوق بین‌المللی پول در مورد ذخایر ارزهای بانک مرکزی از زمان شروع گزارش دارایی‌های خود، بسیار قابل اطمینان تر شده است. سیستم پرداخت سوئیفت(SWIFT) داده‌ای

ماهانه در مورد استفاده از ارزهای اصلی در معاملات بین‌المللی ارائه داد. دلار آمریکا با اختلاف زیادی در رده نخست باقی مانده است و پس از آن یورو، ین وپوند قرار دارد. حدود ۲۷ درصد از پرداخت‌های جهانی در حال حاضر به دلار و در مقایسه با آن ۳۱ درصد یورو است. بعلاوه، ۸۸ درصد معاملات ارزی شامل دلار بوده که تقریباً سه برابر سهم یورو (۳۲درصد) است. بانک‌های مرکزی ۶۲ درصد از ذخیر خود را به دلار، در مقایسه با تنها ۲۰ درصد یورو در اختیار دارند. دلار همچنین بر سایر اقدامات مربوط به استفاده از ارز در تجارت ومالی تسلط دارد.

در مورد چین، renminbi (واحد رسمی پول چین) همچنان از نظر گردش مالی بازار ارز در رتبه هشتم است. اما در آگوست به مقام پنجم در پرداخت‌های سوئیفت رسید و پس از جهش دلار کانادا و استرالیا، در رتبه پنجم ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی قرار گرفت. پیش‌بینی‌های اولیه این دهه مبنی بر این است که renminbi ممکن است دلار را برای سال ۲۰۲۰ به چالش بکشد. درست است که واحد پول چین دو یا سه شرط لازم برای تبدیل شدن به ارز بین‌المللی پیشرو، یعنی اندازه اقتصادی و توانایی حفظ ارزش آن را نیاز دارد؛ اما هنوز بازارهای مالی عمیق، باز و نقدینگی جهانی، این ارز را به رسمیت نشناخته است.

گرچه سهم دلار از ذخایر ومعاملات ارزی روندی نزولی داشته است واین افت در سال‌های اخیر روند مشهودتری به خود گرفته است اما سهم یورو در ذخایر نیز با سرعت بیشتری (از سال ۲۰۰۷) نسبت به دلار کاهش یافته است. با وجود سال‌ها کسری بودجه حساب‌های مالی و جاری ایالات متحده و افزایش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی، دلار همچنان به عنوان ارز شماره یک جهانی در نظر گرفته می‌شود.

متخصصان روابط بین‌الملل معمولاً اعمال قدرت ژئوپلیتیکی را با یک ارز قوی مرتبط می‌کنند. به همین دلیل برخی از این خطر نگارند که چینی می‌تواند با آزاد کردن حجم گسترده‌ای از اوراق بهادار خزانه‌داری آمریکا، به این کشور حمله مالی کند و از این طریق ارزش دلار را کاهش دهد. تبعات دیگر این اقدام می‌تواند به این مقوله مربوط باشد که هزینه‌های استقرار دولت آمریکا، افزایش خواهد یافت. در این صورت دیگر دولت آمریکا، قادر نخواهد بود سنگ بنای اعتماد جهانی بر دلار را به این

راحتی بازسازی کند. به‌طور گسترده‌تر، هنگامی که یک کشور بودجه مریض و کسری بودجه حساب جاری دارد، قدرت ژئوپلیتیکی آن تضعیف می‌شود. همانگونه که انگلستان در قرن بیستم این تجربه را داشت. اما ایالات متحده با فهم تجربه بریتانیا، توانست به گونه‌ای فعالیتات جهانی را پیچند که نه تنها دچار مشکل بریتانیا نمی‌شود بلکه می‌تواند کمبوه‌ها و کسری تجاری خود را به راحتی تأمین کند زیرا سایر کشورها، هنوز مشریان اصلی ارز جهانی هستند و در تلاشند تا آن را اختیار داشته باشند.

سرانجام، مسلح کردن دلار به‌طور کلی به استعمار دولت‌های جهانی توسط ایالات متحده کمک می‌کند چراکه تسلط دلار در نظام پولی کشورهای جهانی، دامنه قانون وسیاست‌های ایالات متحده را به راحتی در سراسر جهان گسترش می‌دهد.

تا قبل از توافق هسته ای ایران تا سال ۲۰۱۵، اروپایی‌ها گهگاهی در مورد وضع برون مرزی ایالات متحده ابواز ممکن است سریعتر از سایر همسایگان آمریکایی خود به دلیل نقض تحریم‌ها، مجازات‌های بزرگی را به بانک‌های اروپایی تحمیل کند. اما به دلیل اینکه ترامپ پیمانی را نقض کرد که ایران نقض نمی‌کند، اجرای تحریم‌های ایالات متحده از طریق سوئیفت سوءاستفاده واقعی از امتیاز گراف است. به احتمال زیاد، دیگر نمی‌توان به نام منافع عمومی جهانی توجیه کرد.

روسیه در مواجهه با تحریم‌های ایالات متحده، ذخایر خود را در سال ۲۰۱۸ از دلار خارج کرد و نفت خود را به ارزهای غیر دلاری می‌فروشد. به همین ترتیب، اروپا با چین ممکن است در ایجاد مکانیسم‌های پرداخت جایگزین، به ایران اجازه فروش بخشی از نفت را دهد. این ممکن است به نوبه خود نقش دلار را در درآمدت تضعیف کند. به‌طور کلی‌تر، سیاست خارجی ایالات متحده در زمان ترامپ همچنان خلاف اهداف سنتی پس از جنگ آمریکا است. ممکن است این دورنما دور از ذهن به نظر برسد، اما اگر ایالات متحده با بی دقتی از رهبری نظام چند جانبه جهانی چشم پوشی کند، دگر در نهایت ممکن است برتری دیرینه خود را از دست بدهد.

نکته از گزارش

۱ دولت می‌تواند از طریق تأثیر متقاعدکننده

مؤسسات مالی بین‌المللی و داخلی، در خصوص دسترسی به وام، کمک‌های مالی به بازیگران دولت خارجی و غیر دولتی، قدرت مالی یک جانبه و غیرمستقیم را اعمال کند

۲ دفتر امور بین‌الملل خزانه‌داری و

دفتر تروریسم و اطلاعات مالی، به همراه شبکه اجرای جرایم مالی (FinCEN)، کانال‌های متمرکز مالی را برای شناسایی فرصت‌های استفاده از اسلحه مالی فراهم می‌کنند

۳ در ایالات متحده، اسلحه‌سازی

مالی نیز به معنای پیوند بین وزارت خزانه‌داری و آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) است.

۴ سلاح‌های آتالوگ شامل صندوق

بین‌المللی پول و بانک جهانی، مقررات مربوط به مجازات‌های اقتصادی و مقابله با پولشویی را تعیین می‌کنند و سلاح‌های دیجیتالی شامل حملات انکار خدمات، دخالت‌های مخرب و دستکاری داده‌ها است

۵ در حالی ایالات متحده حدود ۲۰ درصد از

تولید اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهد که بیش از نیمی از کل ذخایر ارزی و تجارت جهانی به دلار است

۶ نقش محوری دلار به ایالات متحده اجازه

می‌دهد تا به راحتی کسری تجاری و بودجه خود را تأمین کند. این کشور در برابر بحران عدم تعادل حساب سرمایه وتجاری خود را محافظت کند و وام و خدمات را به ارز خود مبادله و تجارت کند

“

اسلحه‌سازی امور مالی به معنای به کارگیری روش‌های جدیدی است که از طریق آن کشورهای قدرتمند از نظر مالی، برای تأثیرگذاری بر معادلات جهانی، از منابع مالی خود - علاوه بر سایر ابزارهای قدرت ملی - استفاده می‌کنند.

واشنگتن اکنون به‌طور کامل در حال تسلیح امور مالی به عنوان ابزاری برای سیاست خارجی خود است. اکنون ایالات متحده به منظور دستیابی به «سیاست اصلی هسته‌ای و اهداف امنیت ملی» به شدت به اقدامات مالی وابسته است

“

متخصصان روابط بین‌الملل معمولاً اعمال قدرت ژئوپلیتیکی را با یک ارز قوی مرتبط می‌کنند. به همین دلیل برخی از این خطر نگارند که چینی می‌تواند با آزاد کردن حجم گسترده‌ای از اوراق بهادار خزانه‌داری آمریکا، به این کشور حمله مالی کند و از این طریق ارزش دلار را کاهش دهد.

تا قبل از توافق هسته ای ایران تا سال ۲۰۱۵، اروپایی‌ها گهگاهی در مورد وضع برون مرزی ایالات متحده ابواز ممکن است سریعتر از سایر همسایگان آمریکایی خود به دلیل نقض تحریم‌ها، مجازات‌های بزرگی را به بانک‌های اروپایی تحمیل کند. اما به دلیل اینکه ترامپ پیمانی را نقض کرد که ایران نقض نمی‌کند، اجرای تحریم‌های ایالات متحده از طریق سوئیفت سوءاستفاده واقعی از امتیاز گراف است. به احتمال زیاد، دیگر نمی‌توان به نام منافع عمومی جهانی توجیه کرد.

روسیه در مواجهه با تحریم‌های ایالات متحده، ذخایر خود را در سال ۲۰۱۸ از دلار خارج کرد و نفت خود را به ارزهای غیر دلاری می‌فروشد. به همین ترتیب، اروپا با چین ممکن است در ایجاد مکانیسم‌های پرداخت جایگزین، به ایران اجازه فروش بخشی از نفت را دهد. این ممکن است به نوبه خود نقش دلار را در درآمدت تضعیف کند. به‌طور کلی‌تر، سیاست خارجی ایالات متحده در زمان ترامپ همچنان خلاف اهداف سنتی پس از جنگ آمریکا است. ممکن است این دورنما دور از ذهن به نظر برسد، اما اگر ایالات متحده با بی دقتی از رهبری نظام چند جانبه جهانی چشم پوشی کند، دگر در نهایت ممکن است برتری دیرینه خود را از دست بدهد.